

بعد از اطلاع از حادثه اسفباری که برای آقای محسن فیضی یک نفر مدّاح اتفاق افتاده با دوستی فرزانه در این زمینه گفتگویی داشتم که چرا جامعه ایران اینچنین خشن شده است و دوستی و محبت بین افراد جامعه که مشخصه‌های جامعه ایران بود به دشمنی و خشونت کشیده شده است.

ایشان علل زیر را دلیل بر خشن شدن جامعه ایران میداند و چنین میگوید:

در جامعه‌ای که روزانه عده‌ای با جرثقیل به دار کشیده میشوند، عده‌ای به زندان می‌افتند و به کرامت انسانی آنها توهین میشود، عده‌ای هم به اتهام براندازی نرم که هیچ مفهومی ندارد راهی شکنجه‌گاه‌ها میشوند، عده‌ای بعنوان اینکه پوشش آنها باندازه کافی اسلامی نیست بازداشت میشوند و به آنها اهانت میشود، زمانی که عده‌ای به جرم اینکه پیرو دین و یا آئین دیگری هستند از تحصیل محروم میشوند و اجازه کار خصوصی هم از آنها دریغ میشود.

عده‌ای دانشجو که سرمایه آینده کشور هستند بعنوان ستاره‌دار از تحصیل محروم میشوند.

آیا باید انتظار دیگری داشت اگر ما بخواهیم که فرهنگ خشونت از جامعه رخت بر بندد باید بجای ترویج تفکر خشونت و مطلق گرایی ترویج دوستی و محبت کنیم. از شما بعنوان یک گروه مذهبی انتظار میرود که به آرامش و تسامح در جامعه کمک کنید نه در ترویج خشونت و جنایت. ولی متأسفانه در همین گزارش گو اینکه برادر آقای محسن فیضی دخالت بهائیان در این حادثه را تکذیب میکند. حال شما بدون هیچگونه احساس مسئولیتی بهائیان را مسئول این جنایت معرفی میکنید.

شما خود بهتر از دیگران میدانید که چنین اتهامی به بهائیان نمی‌چسبد و مردم ایران هم چنین اتهاماتی را نمی‌پذیرند.

هدف شما از نشر این دروغ گوئی‌ها چیزی جز تحریک مردم ناآگاه نمی‌تواند باشد.

بشما توصیه میکنم که اگر با عقاید و افکار بهائیان مخالف هستید هیچ ایرادی بر شما نیست ولی انتظار میرود که علل واقعی مخالفت خود را بیان کنید. و از اتهامات واهی به پرهیزید چون هر کسی که باد بکارد به ضرورت تاریخ طوفان درو خواهد کرد.

ضمناً از نظر شرعی به نظر شما آنهایی که پول بیت‌المال را مصرف اینگونه گزارشات غیر واقعی می‌کنند در جهان دیگر در برابر میزان عدل الهی نباید جوابگو باشند؟

امیدوارم خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید.

ابوالفضل هفت تنی

اسفند ۱۳۸۷ - مارس ۲۰۰۹